



طراحی و اعتباریابی مقیاس عوامل موثر در شکل گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در

دانشگاه فرهنگیان^۱**Designing and Validation of a Scale for Factors Influencing the Formation of Hidden Null Curricula at Farhangian University**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

E.Keramati (Ph.D)**R. Afra**رقیه افرا^۲انسی کرامتی^۲

Abstract: This research was conducted with the aim of constructing and validating a scale about Effective Factors in the formation of hidden null curricula in the Primary Education Bachelor's program at Farhangian University. The research approach was a mixed method via the sequential exploratory design of the instrument-making model conducted in two phases. In the first phase, a semi-structured interview tool was employed, while in the second phase, a designed questionnaire was utilized. The study population consisted of 1526 novice teachers who graduated from Farhangian University in Razavi Khorasan Province in 2016 and 2021. In the first phase, the purposive sampling method was used and ended with 33 interviews with theoretical saturation criteria. The data analysis process was performed using qualitative content analyses. The second-phase sample included 490 novice teachers, selected through stratified random sampling based on Morgan's table. Questionnaire data were analyzed using structural equation modeling (SEM)-based factor analysis. The findings indicated that the designed questionnaire possessed appropriate validity and reliability. Additionally, three components were identified as having the highest predictive power in the formation of hidden null curricula at Farhangian University: (1) instructors' competencies and qualifications, (2) weaknesses in educational content and syllabi, and (3) deficiencies in time budgeting. The results demonstrated that the developed scale could serve as a suitable tool for assessing the factors contributing to hidden null curricula at Farhangian University.

Keywords: Farhangian University, hidden null curriculum, novice teacher, factor analysis

چکیده: این مقاله با هدف طراحی و اعتباریابی مقیاسی در زمینه علل ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان انجام شد. رویکرد پژوهش که در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد، ترکیبی و با استفاده از طرح اکتشافی متوالی مدل ابزار سازی و طی دوگام بود. در گام اول ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته و درگام دوم پرسشنامه طراحی‌شده مورد استفاده قرار گرفت. جامعه پژوهش ۱۵۲۶ نومعلم دانش‌آموخته دانشگاه فرهنگیان در استان خراسان رضوی طی دو سال ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ بودند. نمونه موردنظر در گام اول به روش هدفمند و با معیار اشباع نظری یعنی ۳۳ مصاحبه به پایان رسید. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل نیز با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. نمونه پژوهش در گام دوم ۴۹۰ نفر از نومعلمان بودند که براساس جدول مورگان و با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌های پرسشنامه نیز از روش تحلیل عاملی مبتنی بر مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که پرسشنامه طراحی‌شده دارای روایی و پایایی مناسبی هست. همچنین سه مولفه شایستگی‌ها و صلاحیت‌های اساتید، ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل و ضعف در بودجه‌بندی زمانی، دارای بیشترین توان پیش‌بینی در زمینه ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان هستند. نتایج بیانگر آن بود که مقیاس طراحی‌شده در این پژوهش، می‌تواند ابزار مناسبی برای تعیین میزان عوامل موثر در شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان باشد.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه فرهنگیان، برنامه درسی پوچ پنهان، نومعلم،

تحلیل عاملی

۱. این مقاله مستخرج از بخشی از یافته‌های طرحی پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه فرهنگیان انجام شده است.

e.keramati@cfu.ac.ir

۲. دانشیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

afra.r@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه بیرجند و معلم دوره ابتدایی

کارشناسی آموزش ابتدایی از مهمترین رشته‌های تحصیلی در دانشگاه فرهنگیان و دارای بیشترین ظرفیت پذیرش دانشجو به‌طور سالانه هست که آموزش و تربیت معلمان ابتدایی آینده را به دنبال دارد. با توجه به نقش بی‌بدیل برنامه‌های درسی در کیفیت آموزش، تاکنون دو بار (۱۳۹۵ و ۱۳۹۹) برنامه‌های درسی رشته آموزش ابتدایی مورد بازنگری قرار گرفته است. اما شواهد پژوهشی متعددی بیانگر آن است که برنامه‌های بازنگری شده در دانشگاه فرهنگیان نیز فاقد اثربخشی کافی است. به‌عنوان مثال Nikkhah and Liaqtadar (2017) دریافتند که میزان تأثیر برنامه بازنگری شده رشته آموزش ابتدایی، در ایجاد شایستگی‌های لازم برای معلمان آینده، در حد کمتر از متوسط است. Mohebiamin et al (2023) نیز دریافتند که برنامه‌های درسی بازنگری شده با نیازهای نومعلمان فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان، منطبق نیست و بازاندیشی و بازنگری در مدیریت و برنامه‌ریزی برای تربیت معلم توانمند یکی از الزامات در این دانشگاه است. برخی از پژوهشگران مانند Mazaheri and Ansari Zadeh (2018), Vahedi et al (2020) and Karimi et al (2018) نیز بیان می‌کنند که برنامه درسی تجربه‌شده توسط نومعلمان ابتدایی فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان، دارای چالش‌هایی است که عملکرد حرفه‌ای و اثربخشی آنها در مدرسه را به شکلی منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عوامل مختلفی در کاهش اثربخشی برنامه‌های درسی و بالتبع اثربخشی نومعلمان ابتدایی فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان تأثیر گذار هستند. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه می‌تواند وجود برنامه‌های درسی پوچ در دانشگاه فرهنگیان باشد. Eisner (1979) برای اولین بار از اصطلاح برنامه درسی پوچ^۱ نام برد و معتقد بود که یک مدرسه یا به‌طور کلی نظام آموزشی همزمان به ارائه سه نوع برنامه درسی رسمی (آشکار یا صریح)، پنهان و پوچ می‌پردازد. منظور آیزنر از برنامه درسی پوچ، موضوعات و فرایندهایی عقلانی است که مدارس به‌واسطه شتاب‌زدگی یا غلبه سنت‌ها و عادت‌ها به آموزش آنها نمی‌پردازند و بنابراین دانش‌آموزان نیز از یادگیری آنها محروم می‌شوند. پس از آیزنر پژوهشگرانی مانند Flinders et al (1986), Glatthorn (1999), Posner (2003), Fathi Vajargah (2011), Mehrmohammadi et al (2014), Marzoghi et al (2017), Zare and Marzoghi (2023) به تعریف این برنامه

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال درسی، ابعاد و انواع آن پرداختند. به‌ویژه کوشش‌های پژوهشگران اخیر در راستای بسط مفهومی برنامه درسی پوچ منجر شده که این مفهوم از هر دو وجه سلبی- ایجابی و نیز عامدانه - غیرعامدانه بودن، موردتوجه قرار گیرد. به‌عنوان مثال Flinders (1986) معتقد است که برنامه درسی پوچ بیانگر مفاهیم و مهارت‌های موردنیاز دانش‌آموزان است که در برنامه درسی رسمی ارائه نشده و بنابراین ممکن است که دانش‌آموزان هیچ‌گاه در مورد آنها چیزی ندانند. در مقابل از دیدگاه Glatthorn (1999) هر آن چیزی که از برنامه درسی رسمی، خواه سهوا و خواه عمداً کنار گذاشته‌شده^۱ و دانش‌آموزان از یادگیری آن محروم هستند، برنامه درسی پوچ هست. Mehrmohammadi (2014) با اتکاء به تعریف Glatthorn (1999) بیان می‌کند که برنامه درسی پوچ دارای دو بعد آشکار و پنهان است. وی سپس توضیح می‌دهد که منظور از «برنامه درسی پوچ آشکار»، حذف آشکار برخی از موضوعات، مباحث و فرایندهای ذهنی از برنامه درسی است. این برنامه درسی پس از شناسایی و ورود به برنامه درسی صریح، از پوشش برنامه درسی پوچ خارج می‌شود. اما «برنامه درسی پوچ پنهان» ناظر به حذف برخی از مباحث، موضوعات و یا فرایندهای پیش‌بینی‌شده در برنامه درسی صریح به دلیل الف) شرایط و محدودیت‌های حاکم بر محیط اجرای برنامه درسی و یا ب) نابه‌هنگام بودن و عدم پاسخگویی برنامه درسی در یک زمینه یا موضوع خاص نسبت به شرایط متحول اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و علمی جامعه، است. در پژوهش حاضر نیز تعریف و ابعاد یا دلایل ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان از دیدگاه Mehrmohammadi (2014) مورد استفاده قرار گرفته است. به بیان Davari and Mehrmohammadi (2023)، بعد دوم برنامه درسی پوچ که توسط Mehrmohammadi (2014) بیان‌شده با برنامه درسی بی‌فایده یا زائد که توسط فتحی و اجارگاه مطرح‌شده، یکسان است. درواقع Fathi Vajarhag (2011) برای اولین بار از اصطلاح برنامه درسی زائد نام برد. از نظر وی برنامه درسی زائد، بیانگر آنچه در نظام آموزشی «هست اما کارآمد نیست»، می‌باشد. در واقع این مفهوم به وضعیتی اشاره می‌کند که دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی، دروس و برنامه‌هایی که عملاً منسوخ، قدیمی و از رده خارج و در برخی موارد نامتناسب با شغل آینده است را ارائه می‌دهند (Halimi et al, 2021). در مجموع صاحب‌نظران معتقدند که برنامه درسی زائد ناظر به محرومیت از یادگیری‌هایی است که مبتنی بر نیاز

فراگیرندگان یا نیاز بازارکار است. Mosapour (2008) نیز در این راستا با استفاده از اصطلاح برنامه درسی نابارور^۱، توضیح می‌دهد که گاه برنامه‌های درسی موجود، امکان اصلی و زاینده‌گی خود را از دست داده و به این ترتیب نوعی از برنامه درسی پوچ شکل می‌گیرد. Safaei Movahed (2016) نیز در طبقه‌بندی خود مانند Mehrmohammadi (2014) به برنامه درسی پوچ پنهان اشاره نموده و معتقد است که این برنامه درسی بیانگر حضور بی‌تأثیر یا غیراثربخش حوزه‌های محتوایی و فرصت‌های یادگیری در برنامه درسی رسمی است. وی توضیح می‌دهد که شناسایی برنامه درسی مغفول پنهان مستلزم نگاه عمیق به چیزهایی است که به‌ظاهر وجود دارند و خیال ما را از بابت حضورشان راحت می‌سازند اما درواقع فاقد اثربخشی لازم هستند.

Assemi and Sheikhzade (2013) با تشریح اجزای برنامه درسی پوچ بر غنای نظری این اصطلاح افزودند. آنها دریافتند که برنامه درسی پوچ از سه جزء قصد شده، اجراشده و تجربه‌شده^۲، تشکیل شده است. همچنین برنامه درسی پوچ قصد شده زمانی ایجاد می‌شود که نویسندگان کتب درسی یا سیاستمداران، بخش‌هایی از محتوا را به خاطر عدم تطابق با نیازهای دانش‌آموزان و جامعه از برنامه درسی آشکار حذف می‌کنند. برنامه درسی پوچ اجراشده، زمانی ایجاد می‌شود که معلمان قسمت‌هایی از محتوای برنامه درسی را به خاطر عدم تطابق با نیازها و علایق دانش‌آموزان در جریان آموزش، حذف نموده یا نادیده می‌گیرند. سرانجام برنامه درسی پوچ تجربی، بیانگر عدم توجه یا کم‌توجهی دانش‌آموزان به قسمت‌هایی از محتوای برنامه درسی است که با نیازها و زندگی آنها نامرتبط است.

درمجموع برنامه درسی پوچ پنهان می‌تواند به‌صورت عمدی یا سهوی، سلبی یا ایجابی و نیز در سطوح مختلف برنامه درسی قصد شده، اجراشده و تجربه‌شده شکل بگیرد. بنابراین، ضروری است که برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها پس طراحی و اجرای مکرر به‌صورت ادواری موردبازنگری، اصلاح و تجدیدنظر قرار بگیرند. در غیر این صورت در اثر مواجه شدن با پدیده-ای به نام «روبه‌زوال رفتن برنامه»، ضمن زیرسوال رفتن کیفیت و اثربخشی آن دوره و رشته، نهایتاً برنامه درسی ناکارآمد و غیر موثری اجرا و تجربه می‌شود (Hoseini Largani, 2015).

-
1. Sterilized Or Unbelievable
 2. Intended, Implemented, And Experiential Null Curriculum

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال پژوهش‌های انجام‌شده در مورد برنامه درسی پوچ پنهان را بر اساس ابعاد یا دلایل ایجاد این نوع برنامه درسی می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی نمود. دسته اول شامل پژوهش‌هایی مرتبط با بعد اول یا دلیل اول ایجاد آن، یعنی شرایط و محدودیت‌های حاکم بر محیط اجرای برنامه درسی هستند. به‌عنوان مثال Moghadasi (2015) دریافت پنج مؤلفه آموزش‌های عملی دانشگاهی، کارآموزی و ارتباط با صنعت، تجربه و تخصص اساتید، علاقه و انگیزه دانشجویان و عوامل محیطی، بر ارتقاء مهارت‌های شغلی و جلوگیری از ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان تأثیرگذار هستند. یافته‌های Barshan (2017) نشان داد که هر قدر میزان خودکارآمدی، نگرش، انگیزش، آمادگی، تعهد سازمانی کارکنان، جو انتقال و عدالت سازمانی، توانایی مدرسین، متناسب بودن محتوا و زمان دوره‌های آموزشی مطلوب‌تر باشد، شاهد انتقال یادگیری خواهیم بود. یافته‌های Sajudi (2017) نیز نشان داد که عناصر نه‌گانه برنامه درسی در شکل‌گیری برنامه درسی پوچ پنهان نقش قابل‌توجهی دارند. به‌نحوی که عناصر اهداف آموزشی، محتوا، منابع آموزشی، راهبردهای یاددهی و یادگیری، فعالیت‌های فراگیران، ارزشیابی، فضای آموزشی و زمان، نقشی بالاتر از حد متوسط و عنصر گروه‌بندی فراگیران، نقشی پایین‌تر از حد متوسط دارد. Hasan Pour Dehnavi (2020) نیز دریافت که نگرش، انگیزه و توانایی مربیان و هنرجویان، محتوای استاندارد و به‌روز، ارائه حمایت‌های لازم در زمینه‌های مختلف، به‌کارگیری امکانات و تجهیزات جدید، توجه به طراحی و معماری فضاهای هنرستان‌ها و حتی‌الامکان ساخت آن‌ها در جوار مراکز صنعتی، توجه به نیاز کارکنان و نتایج ارزشیابی؛ در کاهش یادگیری پوچ پنهان و ایجاد یادگیری کارآمد و اثربخش تأثیرگذار هستند.

از سویی دیگر برخی از پژوهشگران نیز به شناسایی انواع برنامه درسی پوچ آشکار براساس برنامه درسی رسمی پرداخته‌اند؛ به‌نحوی که تاکنون آگاهی درمورد مباحث جنسیتی، چندفرهنگی، مهارت‌های زندگی و اعتیاد (Adib et al, 2016)، توجه به رشد و پرورش احساسات و عواطف در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه (Amini, Shekari and Taghvaaee, 2018)، تربیت دبیرکار و فناوری (Abdolkhani and Safaei Movahed, 2014) و عشق (Alamolhoda and Tahmasbzade Sheykhlar, 2008) به‌عنوان برنامه‌های درسی پوچ آشکار شناسایی شده‌اند. Zhou (2023) نیز پژوهشی را درمورد یادگیری‌های حرفه‌ای معلمان در محیط کارورزی و عوامل موثر بر کاربردی بودن این یادگیری‌ها انجام داد. از مهمترین یافته‌های

وی آن بود که ویژگی‌های شخصیتی معلم راهنما (مانند سابقه، خودکارآمدی و انگیزش)، ویژگی‌های محیط کارورزی (شامل حجم کاری، بودجه‌بندی زمانی، علایق و آمادگی دانش‌آموزان، حمایت مدیر مدرسه) و کیفیت برنامه کارورزی (از نظر مدت‌زمان، انسجام محتوا و اهداف یادگیری) منجر می‌شود تا معلمان، یادگیری‌های خود از محیط کارورزی را به مدرسه انتقال داده و احساس کنند که یادگیری‌های حاصل از کارورزی برای آنها کاربردی و موثر بوده است. Moore (2022) درمورد عوامل موثر بر ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان در آموزش‌های توسعه حرفه‌ای نشان داد که فقدان انسجام و قابلیت کاربرد؛ کمبود زمان برای اجرای مطالب آموخته‌شده و درنظر گرفته نشدن نیازهای فردی معلمان در این زمینه نقش قابل‌توجهی دارند. Lassesen & Stenalt (2022) نیز با مرور سیستماتیک پژوهش‌های منتشرشده در فاصله سال‌های ۲۰۲۱-۱۹۸۰ درمورد عوامل موثر بر عاملیت دانشجویان^۱ در آموزش عالی و رابطه آن با یادگیری دانشجویان پرداختند. آنها دریافتند که نحوه ارزشیابی و بازخورد مدرسان، تولید دانش، تجزیه و تحلیل یادگیری، انتقال یادگیری، ارائه موقعیت‌های یادگیری مرتبط با زندگی واقعی و نیز تدریس و یادگیری دانشجومحور، منجر به ایجاد یادگیری بهتر و کاربردی‌تر برای دانشجویان می‌شود. Tzafilkou (2022) نیز ضمن بررسی عوامل موثر بر عدم کاربرد آموزش‌های ارائه‌شده به دانشجومعلمان در زمینه تکنولوژی‌های دیجیتال، دریافتند که احساس مفید بودن برنامه آموزشی و رضایت دانشجومعلمان از آن، رابطه مثبت معناداری با احساس خودکارآمدی معلمان و استفاده از دانش و مهارت‌های تکنولوژیکی آموخته‌شده در تدریس ایشان دارد.

دسته دوم، بیانگر پژوهش‌هایی مرتبط با بعد دوم یا دلیل دوم ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان هستند. یعنی نابه هنگام بودن و عدم پاسخگویی برنامه درسی در یک زمینه یا موضوع خاص نسبت به شرایط متحول اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و علمی جامعه. درواقع این پژوهش‌ها شامل مواردی هستند که به بررسی انطباق آموزش‌های ضمن خدمت با وظایف شغلی در یک شغل خاص یا بررسی میزان تناسب برنامه درسی با مهارت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان در یک رشته تحصیلی خاص پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال Khalfi (2020) با انجام پژوهشی پیمایشی

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال دریافت که میزان انطباق محتوای برنامه درسی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستادی سازمان آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای شهر تهران با شرح وظایف آنان در حوزه‌های مختلف بسیار ضعیف هست. سه پژوهش پیمایشی انجام‌شده توسط (2021) Rezaei et al ، (2014) Bakhtyar et al و (2014) Fadaei et al را نیز می‌توان در این دسته قرارداد. به‌نحوی که یافته‌های این پژوهشگران به ترتیب نشان می‌دهد که محتوای برنامه درسی دندانپزشکی، نیروی انتظامی و مهندسی بهداشت کاملاً با نیازهای شغلی دندانپزشکان، شاغلین در واحدهای انتظامی و مراکز بهداشت محیط، انطباق ندارد. Fairman et al (2020) با انجام پژوهشی متمرکز بر تربیت معلم، دریافتند همواره از دیدگاه معلمانی که در معرض آموزش‌های ضمن خدمت یا توسعه حرفه‌ای قرار می‌گیرند، قسمتی از برنامه‌های آموزشی زائد هستند. زیرا معلمان ولو اینکه تحصیلات خود را در یک مکان مشترک گذرانده باشند، بازهم دارای نیازها و علایق توسعه حرفه‌ای متفاوتی هستند؛ بنابراین مواجه آنها با آموزش‌های ضمن خدمت از حیث کاربردی بودن و نیز انتقال یادگیری‌هایشان به محیط کاری، کاملاً باهم متفاوت است. همچنین عامل مدیریت و حمایت از معلمان، در افزایش کیفیت و کاربردی بودن آموزش‌های توسعه حرفه‌ای از نظر معلمان بسیار تأثیرگذار هست. (2022) Nguyen et al نیز طی مصاحبه‌هایی عمیق با ده معلم ویتنامی دریافتند که براساس تجارب این معلمان، برنامه‌های توسعه حرفه‌ای تدارک دیده‌شده (اعم از سطوح خرد و کلان و اجراشده توسط مدرسه یا منطقه) با نیازهای شغلی آنها منطبق نیستند. (2022) Mahama et al نیز با انجام پژوهشی ترکیبی دریافتند که معلمان و مدیران مورد بررسی در غنا معتقدند که برنامه‌های توسعه حرفه‌ای با نیازهای شغلی آنها همسو نیست. دلیل اصلی این ناهمسویی نیز عدم نیازسنجی دقیق مجریان برنامه‌های توسعه حرفه‌ای از معلمان و مدیران مدارس درمورد موضوع برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای آنها است. علاوه بر پژوهش‌های نامبرده می‌توان به پژوهش‌هایی در همین دسته نیز اشاره نمود که به‌طور مستقیم به بررسی مفهوم برنامه درسی زائد پرداخته‌اند. مانند (2021) Fatahi که پس از تحلیل ادراک دانشجویان از مفهوم یادگیری زائد با روش پدیدارشناسی، به سه مضمون در این زمینه دست‌یافت. درواقع یافته‌های وی نشان داد که یادگیری زائد بیانگر درک ناکافی از اهداف یادگیری، یادگیری محتوای غیرکاربردی و نیز ناهم‌سویی آموزش با نیازهای افراد و جامعه است.

درمجموع مطالعه پیشینه پژوهشی انجام شده درمورد برنامه درسی پوچ و به‌ویژه پوچ پنهان بیانگر وجود یک خلاء جدی پژوهشی از این منظر، در حوزه تربیت معلم ایران و به طور خاص تربیت معلم ابتدایی در ایران است. اهمیت انجام چنین پژوهشی از آنروست که از یک سو ارتقای کیفیت نظام رسمی آموزش و پرورش ایران از مسیر توسعه و تقویت تربیت معلم می‌گذرد. بنابراین شیوه و کیفیت تأمین و تربیت معلم یکی از مهم‌ترین مسائل نظام تربیتی کشور است که باید موردتوجه جدی قرارگیرد (Rafei and Abdolahi, 2022). به‌علاوه رشته آموزش ابتدایی در دانشگاه فرهنگیان، دارای بیشترین تعداد پذیرش دانشجو برای تربیت معلم ابتدایی به‌طور سالانه هست. بدیهی است که چنانچه معلمان ابتدایی فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان از دانش، نگرش و مهارت‌های حرفه‌ای کارآمدی برخوردار بوده و آنها را به محیط کاری خود در مدارس انتقال دهند؛ تأثیر مثبتی در رشد و تربیت دانش‌آموزان ابتدایی و بالتبع رشد جامعه خواهند داشت. اما از سویی دیگر همانطور که اشاره شد باوجود دو دوره بازنگری در برنامه‌های درسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، اما شواهد پژوهشی متعددی نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان به‌اندازه کافی شایستگی‌های لازم برای ورود به حرفه معلمی، به‌ویژه در دوره ابتدایی را کسب نکرده‌اند. دراین میان با توجه به کاستی‌های متعددی که دانشگاه فرهنگیان از نظر بودجه، نیروی انسانی، فضا و امکانات آموزشی و رفاهی (Rafei and Abdolahi, 2022) دارد؛ بنابراین دارای پتانسیل مناسبی برای شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان نیز هست که تاکنون موردتوجه قرار نگرفته‌اند. به‌علاوه هرچند برخی از پژوهشگران مانند Mohebiamin et al (2023) معتقدند که برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان همچنان نیازمند بازنگری مجدد است؛ اما به نظر می‌رسد قبل از بازنگری، باید عوامل مؤثر در شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان به‌دقت مورد شناسایی قرارگرفته و در بازنگری برنامه‌ها به‌صورت ادواری موردتوجه قرار گیرد. از اینرو هدف از انجام پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤالات است که: مقیاس عوامل مؤثر بر شکل‌گیری برنامه درسی پوچ پنهان رشته آموزش ابتدایی در دانشگاه فرهنگیان شامل چه مولفه‌هایی است؟ و آیا این مقیاس از روایی و پایایی لازم برخوردار هست؟

روش پژوهش

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال

این پژوهش توسط رویکرد ترکیبی و با استفاده از طرح اکتشافی متوالی مدل ابزارسازی^۱ انجام شد (Creswell, 2013). براساس این طرح، در گام اول داده‌های کیفی و در گام دوم داده‌های کمی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. مشارکت‌کنندگان پژوهش در گام اول ۳۳ نفر از نومعلم‌ان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدائی از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان استان خراسان رضوی (پردیس دخترانه شهید هاشمی نژاد و پردیس پسرانه شهید بهشتی) بودند که با روش هدفمند از نوع تغییرات بیشینه انتخاب شدند. ملاک انتخاب نومعلم‌ان، برخورداری از بالاترین معدل فارغ‌التحصیلی در گروه خود و تنوع در موقعیت تدریس آنان از نظر مکان، جنسیت و پایه تحصیلی دانش‌آموزان آنان بود تا نیازهای محیط کاری و متناسب با آن خلأهای برنامه درسی اجرا شده در دانشگاه فرهنگیان براساس تجربه آنها به نحو کامل‌تری احصاء شود. ابزار مورد استفاده در گردآوری اطلاعات، مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته بود. مصاحبه‌ها در بازه‌های زمانی ۴۰-۲۰ دقیقه‌ای، بنا بر فرصت پیش‌آمده و به اشکال مختلف حضوری، تلفنی و یا اینترنتی (گوگل میت) تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی انجام شد. قبل از انجام مصاحبه، لیست کامل دروس و سرفصل رشته آموزش ابتدایی در اختیار نومعلم‌ان قرار می‌گرفت تا با تمرکز بر انتظارات برنامه درسی رسمی رشته آموزش ابتدایی از دروس مختلفی که گذرانده‌اند به این سوالات پاسخ دهند: از میان دروس دوره کارشناسی، یادگیری‌های حاصل از کدام درس تاکنون در حرفه معلمی، به‌هیچ‌وجه توسط شما مورد استفاده قرار نگرفته است؟ چرا؟ با توجه به موقعیت کاری کنونی‌تان، تحقق انتظارات مطرح شده از دروس مختلف در برنامه درسی رسمی (سرفصل) درمورد کدام دروس بی‌فایده بود؟ چرا؟ پس از جمع‌آوری داده‌ها و مکتوب کردن متن مصاحبه-ها، از روش تحلیل محتوای کیفی (استقرایی) و کدگذاری داده‌ها به شکل مضامین اصلی و فرعی (Ryan & Bernard, 2000) جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. بدین‌صورت که ابتدا مفاهیم و سپس مضامین اصلی مربوط به برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدائی دانشگاه فرهنگیان شناسایی و دسته‌بندی شدند. برای تأمین اعتبار تحلیل داده‌های کیفی از دو روش استفاده شد. براساس روش اول یعنی بررسی توسط مشارکت‌کنندگان^۲؛ پس از انجام هر مصاحبه و مکتوب کردن متن آن، با فرد مصاحبه‌شونده در پیام‌رسان ایتا، ارتباط برقرار می‌شد

1. Sequential Exploratory Mixed Method – Instrument Development Model

2. Member Check

و علاوه بر متن مصاحبه، تحلیل‌های ابتدایی پژوهشگر در اختیار وی قرار می‌گرفت تا از صحت برداشت‌های مصاحبه‌کننده توسط بازخورد مصاحبه‌شونده در این زمینه اطمینان حاصل شود. همچنین در راستای روش دوم یعنی توصیف توسط هم‌تایان^۱ با دوتن از اساتید دانشگاه که از این روش استفاده کرده بودند؛ ارتباط برقرار شد؛ به‌نحوی که حدود ۱۰ درصد از متن مکتوب مصاحبه‌های انجام‌شده در اختیار آنها قرار داده‌شده و خواسته شد تا کدگذاری آن قسمت‌ها را انجام دهند. درواقع هدف آن بود که از صحت روند کدگذاری مصاحبه‌کننده و نیز عدم سوگیری در تحلیل‌های ابتدایی آگاهی به دست آید. میزان توافقی میان کدگذاران ۸۵٪ به دست آمد.

شایان‌ذکر است که هدف از جمع‌آوری داده‌های کیفی در گام اول، کشف مضامین مربوط به عوامل موثر بر ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان بود. اما هدف از جمع‌آوری داده‌های کمی در گام دوم، طراحی مقیاسی مربوط به عوامل موثر بر ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان، براساس مضامین اکتشافی و مولفه‌های آن در گام اول بود. بنابراین جامعه آماری پژوهش در گام دوم شامل تمام (۱۵۲۶ نفر) نومعلم فارغ‌التحصیل از رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان در استان خراسان رضوی طی دو سال ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ بود. درواقع جامعه آماری پژوهش هم شامل اولین نومعلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۵) در استان خراسان رضوی بودند که براساس سرفصل قدیم و به‌صورت کاملاً حضوری آموزش‌دیده بودند و هم شامل نومعلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان (۱۴۰۰) که براساس سرفصل جدید و عمدتاً در شرایط مجازی (کرونا) آموزش‌دیده بودند. دلیل انتخاب جامعه موردنظر آن بود که با مقایسه داده‌های به‌دست‌آمده از این دو گروه، تا حد زیادی امکان شناسایی دلایل اصلی شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان که در طول زمان و حتی با تغییر برنامه‌های درسی و شرایط اجرای آنها در دانشگاه فرهنگیان، ثابت داشته‌اند، نیز فراهم می‌شد. حجم جامعه در گام دوم ۴۹۰ نفر بود که براساس جدول مورگان و نیز به‌صورت تصادفی طبقه‌ای (به تکنیک جنسیت و پردیس محل تحصیل) انتخاب شدند. ابزار مورداستفاده در این گام پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که براساس مضامین شناسایی‌شده در گام اول و با ۵۵ گویه طراحی شد. برای بررسی روایی، این پرسشنامه در اختیار ۵ تن از متخصصان رشته علوم تربیتی در دانشگاه فرهنگیان قرار گرفت تا گویه‌های

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال طراحی شده را از نظر شفاف بودن، ارتباط با سازه موردبررسی و نیز شکل ظاهری پرسشنامه موردبررسی قرار دهند. سرانجام براساس نظر متخصصان، از ۵۵ گویه ۴۷ مورد تایید و در پرسشنامه نهایی قرارگرفت. برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که به‌طور متوسط برای ۵ مضمون اکتشافی حاصل از گام قبلی برابر با (۰.۷۷۹) به دست آمد.

یافته‌ها

یافته‌های به‌دست‌آمده از گام اول (کیفی) منجر به شناسایی ۵ مضمون یا عامل اصلی در مورد دلایل ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شد. این دلایل شامل «ضعف در بودجه‌بندی زمانی برای آموزش دروس در یک‌ترم یا حتی یک درس»، «ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل»، «محدودیت‌ها یا واقعیت‌های مربوط به محیط کارنومعلمان»، «ویژگی‌های دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان» و «ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد» هستند که در جدول شماره (۱) ارائه شده‌اند.

جدول ۱: دلایل شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدایی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
ضعف در بودجه‌بندی زمانی برای آموزش دروس در یک‌ترم یا حتی یک درس	اختصاص زمان ناکافی به دروس تخصصی، اختصاص زمان زیاد به دروس عمومی و معارف، ناکافی بودن تعداد کارورزی‌ها، عدم امکان تجربه مدارس مختلف در طول کارورزی، ارائه دروس تخصصی در زمان نامناسب، عدم ارائه دروس عملی مرتبط با مدرسه در زمان قبل کارورزی، عدم اختصاص زمان به بازدیدهای میدانی.
ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل	دروس بی‌ارتباط با مسائل آموزش و پرورش یا حل مشکلات کلاس درس، عدم تقویت مهارت‌های برنامه‌ریزی و طراحی توسط دروس مرتبط، دروس غیرقابل کاربرد برای برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموز، دروس کم‌رنگ در پیوند محیط دانشگاه و مدرسه، دروس کم‌رنگ در آموزش شیوه تدریس، ارائه دروس عملی و مستلزم تجربه واقعی در فضای مجازی، قدیمی و به‌روز نبودن سرفصل دروس، منابع سنگین و نامناسب در سرفصل برخی دروس، همپوشانی برخی از دروس تخصصی، شباهت و همپوشانی محتوای دروس عمومی با دروس تعلیم و تربیت اسلامی و دروس علم تربیت.
محدودیت‌ها یا واقعیت‌های محیط کاری نومعلمان	عدم وجود شرایط به‌کارگیری فناوری در مدرسه، فقدان زیرساخت و فضای مناسب برای تدریس دروس هنر و طراحی در مدرسه، تفاوت نقش معلم به‌عنوان ارزشیاب در مدرسه با دانشگاه، بی‌توجهی نسبت به نقش پژوهشگری معلم در مدارس برخلاف دانشگاه، سازماندهی متمرکز معلمان در مدارس و عدم وجود شرایط برای کاربردی کردن برخی از آموخته‌ها، تفاوت ماهیت درس تربیت‌بدنی در شهر (دانشگاه) با روستا.

مضامین اصلی	مضامین فرعی
ویژگی‌های دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان	علاقه‌مندی شخصی دانشجو نسبت به موضوع درسی، اطلاعات و دانسته‌های قبلی دانشجو، آگاهی نسبت به اهمیت و ضرورت یک درس، اهمال‌کاری و انجام تصنعی تکالیف، وجود تضمین شغلی و کاهش انگیزه یادگیری.
ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد	ناآگاهی نسبت به سرفصل آموزشی، عدم تسلط بر محتوای علمی، عامل نبودن استاد نسبت به علم خود، درگیر نکردن دانشجو در تکالیف تخصصی و ارائه راهنمایی تدریجی، ضعف در روش تدریس، تکالیف، منابع یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی، ناتوانی در ایجاد انگیزه و تغییر نگرش دانشجو نسبت به درس، ضعف در ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، عدم برخورداری از تجربه تدریس در مدرسه و امکان شناخت یا انتقال چالش‌های مدرسه و دانش‌آموزان به دانشجویان

یافته‌های مربوط به گام دوم پژوهش پیرامون طراحی مقیاس دلایل شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان در جداول شماره ۲-۵ و شکل‌های ۱-۲ ارائه شده است.

جدول ۲: خلاصه‌ای از کیفیت PLS مقیاس طراحی شده (تحلیل عاملی تأییدی یا روایی کل پرسشنامه)

مولفه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی
ضعف در بودجه‌بندی زمانی	۰/۷۵۱	۰/۷۱۵	۰/۵۷۵
ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد	۰/۸۸۳	۰/۹۰۲	۰/۵۳۸
ضعف در محتوای آموزشی و سرفصل	۰/۸۱۶	۰/۸۵۸	۰/۵۸۳
محدودیت‌های مربوط به محیط کاری (واقعیت‌های محیط کاری)	۰/۷۱۹	۰/۸۰۶	۰/۵۴۳
ویژگی‌های دانشجو معلمان	۰/۷۲۶	۰/۷۹۲	۰/۵۲۳

اطلاعات مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که کلیه مقادیر آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷ می‌باشد که حاکی از مطلوب بودن پایایی پرسشنامه است. همچنین تمامی متغیرها دارای میزان AVE بیشتر از ۰/۵ می‌باشند که حاکی از روایی همگرای مناسب میان آنهاست.

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال

جدول ۳: ماتریس همبستگی و بررسی روایی مقیاس طراحی شده

ویژگی‌های دانش‌جو معلمان	محدودیت‌های مربوط به محیط کاری (واقعیت‌های محیط کاری)	ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل	ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد	ضعف در بودجه‌بندی زمانی	دلایل ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان
				۰/۶۰۱	ضعف در بودجه‌بندی زمانی
			۰/۶۱۱	۰/۴۳۹	ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد
		۰/۶۱۹	۰/۵۸۱	۰/۴۲۴	ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل
	۰/۶۴۳	۰/۵۰۱	۰/۳۸۱	۰/۳۳۷	محدودیت‌های مربوط به محیط کاری (واقعیت‌های محیط کاری)
۰/۵۲۳	۰/۵۷۸	۰/۳۹۹	۰/۱۶۳	۰/۱۴۴	ویژگی‌های دانش‌جو معلمان

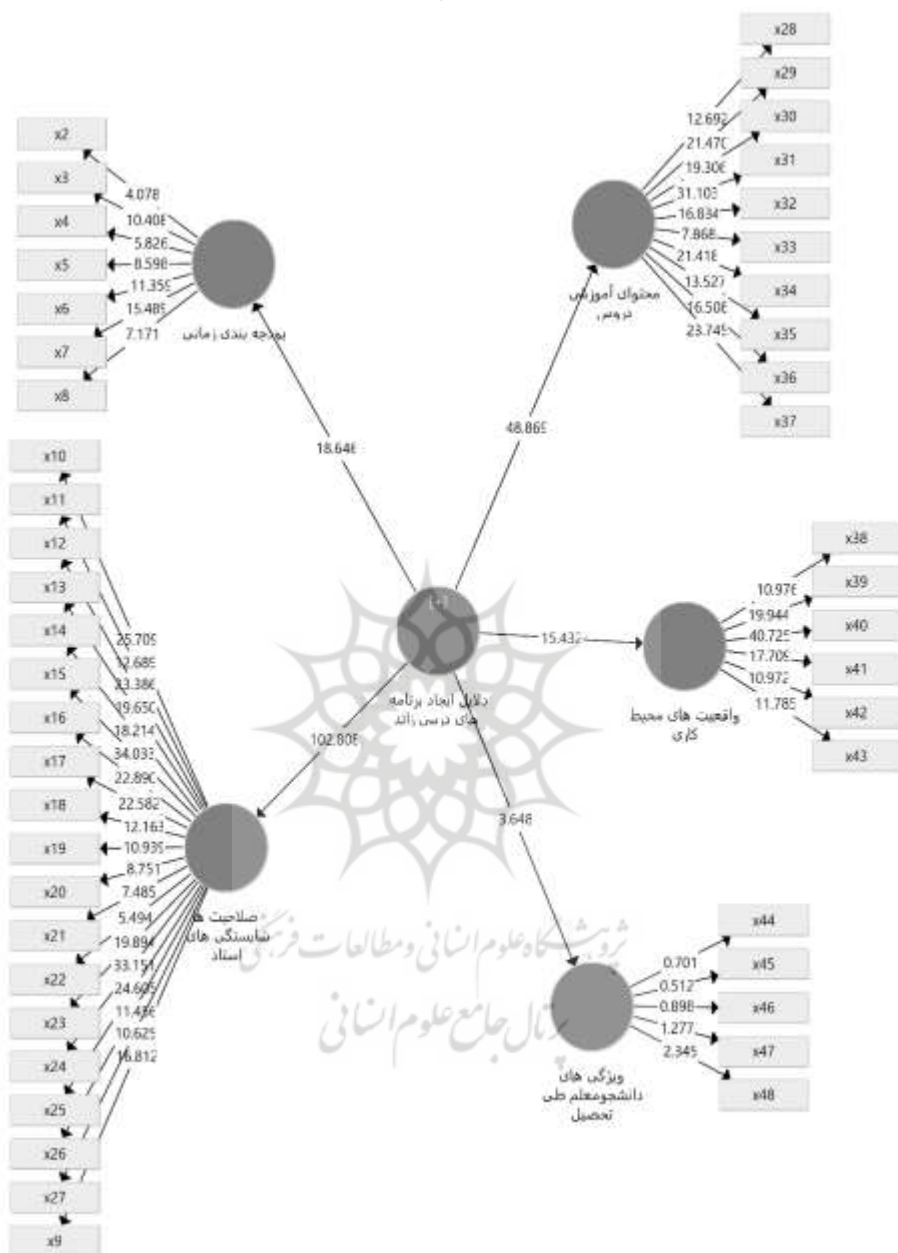
براساس جدول شماره ۳ مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوط آن بزرگتر بوده و نشان‌دهنده آن است که این مدل دارای اعتبار تشخیص مناسبی است.

آزمون الگوی معادلات ساختاری

یکی از جدیدترین رویکردها در مدل معادلات ساختاری، روش حداقل مربعات جزئی در دو مرحله است. در این پژوهش نیز در مرحله اول مدل اندازه‌گیری پیاده شد تا مشخص شود نشانگرهای هر سازه با چه دقتی آن سازه را اندازه‌گیری می‌کنند. در مرحله دوم اثر سازه‌ها بر روی یکدیگر مورد تحلیل قرار گرفت تا اثرات علی سازه‌ها بر روی یکدیگر بررسی شود. در ادامه با بررسی آزمون الگوی معادلات ساختاری، ضرایب معنی‌داری گویه‌ها (t)، معیارهای R^2 ، f^2 و Q^2 محاسبه و تفسیر شده است.

ضرایب معنی‌داری (t)

معیار اول برازش الگوی معادلات ساختاری، ضرایب معنی‌داری t است که با توجه به شکل شماره ۱ تمامی ضرایب معنی‌داری t از ۱/۹۶ بیشتر هستند، یعنی تمامی گویه‌ها و روابط میان متغیرها در سطح اطمینان ۰,۹۵ معنادار می‌باشند.

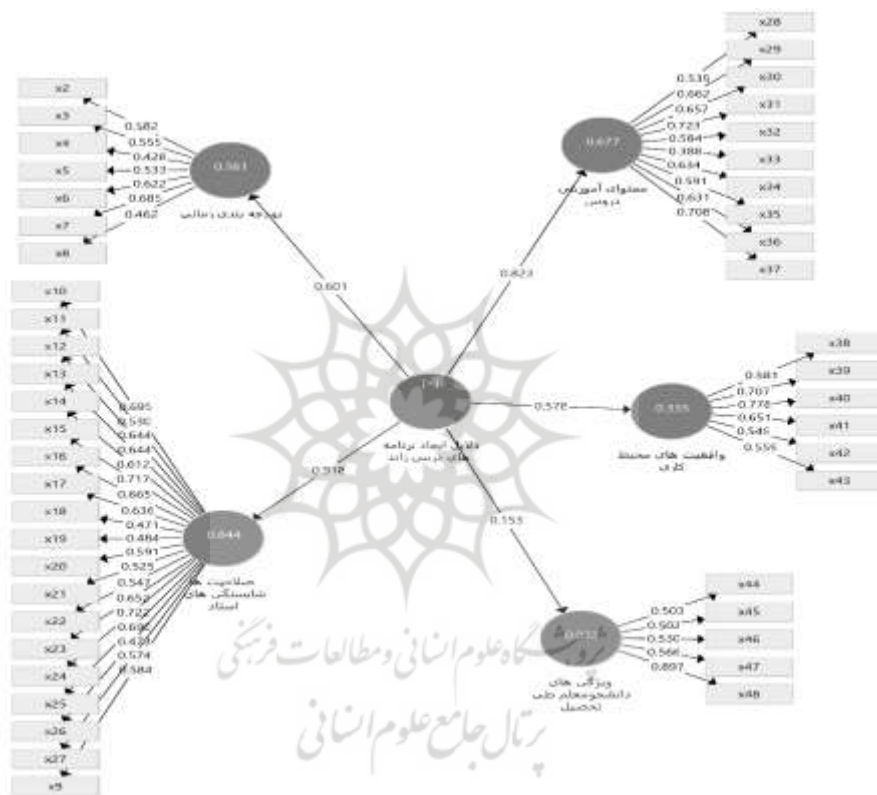


شکل ۱. ضرایب معنی داری (t) گویه ها

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال

معیار R^2

معیار دوم الگوی معادلات ساختاری معیار R^2 می‌باشد که با توجه به شکل شماره ۲ بیانگر مناسب بودن برازش الگوی ساختاری است.



شکل ۲. مقدار استاندارد گویه‌ها

معیار f^2

نتایج مربوط به معیار سوم الگوی معادلات ساختاری، یعنی معیار f^2 در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: مقدار f^2 مربوط به مولفه‌های دلایل ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدایی در مقیاس طراحی شده

مؤلفه‌های پژوهش	f^2 مقدار
ضعف در بودجه بندی زمانی	۰/۳۶۱
ضعف در شایستگی ها و صلاحیت‌های استاد	۰/۶۷۷
ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل	۰/۳۳۵
واقعیت‌های محیط کاری	۰/۰۲۳
ویژگی‌های دانشجومعلم	۰/۳۶۱

براساس جدول ۴ سه مولفه «ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد»، «ضعف در بودجه‌بندی زمانی» و «ویژگی‌های دانشجو معلم»، دارای قدرت پیش‌بینی قوی و مولفه «ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل»، دارای قدرت پیش‌بینی متوسط در ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان است.

معیار Q^2

معیار چهارم الگوی معادلات ساختاری معیار Q^2 است. براساس جدول شماره ۵ به ترتیب سه مولفه «ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد»، «ضعف در بودجه‌بندی زمانی» و نیز «ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل»، بیشترین توان پیش‌بینی را در ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان دارند.

جدول ۵. مقادیر Q^2 و R^2 مربوط به مولفه‌های دلایل ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزش ابتدایی در مقیاس طراحی شده

مؤلفه‌های پژوهش	Q^2 مقدار	توانایی پیش‌بینی	R^2	توانایی پیش‌بینی
ضعف در بودجه‌بندی زمانی	۰/۰۸۸	رابطه قوی	۰/۳۶۱	رابطه متوسط
ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد	۰/۲۶۸	رابطه متوسط	۰/۶۷۷	رابطه قوی
ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل	۰/۲۴۳	رابطه متوسط	۰/۳۳۵	رابطه قوی
واقعیت‌های محیط کار	۰/۱۲۴	رابطه ضعیف	۰/۰۲۳	رابطه ضعیف
ویژگی‌های دانشجومعلم	۰/۰۰۰	رابطه ضعیف	۰/۳۶۱	رابطه متوسط

بحث و نتیجه‌گیری

رشته کارشناسی آموزش ابتدایی از مهم‌ترین رشته‌های دانشگاه فرهنگیان در راستای تربیت معلمان ابتدایی آینده است. پژوهش‌های متعددی مانند Karimi et al (2020) به غیر اثربخش بودن برنامه‌های رسمی این رشته در دانشگاه فرهنگیان اشاره دارند. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه می‌تواند وجود برنامه‌های درسی پوچ پنهان باشد که بیانگر حضور غیراثربخش حوزه‌های محتوایی و فرصت‌های یادگیری در برنامه درسی رسمی است. در این میان گرچه به اعتقاد برخی مانند Mohebiamin et al (2023) برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان همچنان نیازمند بازنگری است اما به نظر می‌رسد قبل از آن، باید عوامل مؤثر در شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در این دانشگاه شناسایی و در بازنگری برنامه‌ها موردتوجه قرار گیرد تا برنامه‌های جدید این رشته عاری از یادگیری‌هایی شود که در ظاهر هستند ولی اثربخش نیستند. از اینرو در پژوهش حاضر ابتدا با رویکردی کیفی، این عوامل در قالب ۵ مضمون اصلی شناسایی شد و سپس براساس مضامین شناسایی‌شده مقیاسی مناسب طراحی و اعتبار یابی شد تا در بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان مورداستفاده قرار گیرد.

براساس یافته‌های حاصل از تجارب مشارکت‌کنندگان، دلایل ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دانشگاه فرهنگیان در سه سطح برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و تجربه‌شده قابل‌ملاحظه است و همچنین مضامین «ضعف در بودجه‌بندی زمانی»، «ضعف در شایستگی‌ها و صلاحیت‌های استاد» و «ویژگی‌های دانشجومعلمان»، ناظر به بعد یا دلیل اول و دو مضمون «ضعف در محتوای آموزشی و سرفصل» و «واقعیت‌های محیط کاری نومعلمان» بیانگر بعد یا دلیل دوم ایجاد برنامه درسی پوچ پنهان هستند. از آنجا که این مضامین براساس تجارب دانشجومعلمان متنوعی احصاء شده که آموزش کاملاً حضوری و نیز آموزش مجازی (شرایط کرونایی) را تجربه کرده‌اند، بنابراین تا حد زیادی امکان شناسایی دلایل اصلی شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان که در طول زمان و حتی با تغییر برنامه‌های درسی و شرایط اجرای آنها در دانشگاه فرهنگیان، ثابت داشته‌اند، نیز فراهم شد. درمورد مضمون «ضعف در بودجه‌بندی زمانی برای آموزش دروس در یک ترم یا حتی یک درس» نومعلمان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده را بر برنامه درسی تجربه شده خود مؤثر می‌دانستند و به نقش سیاست‌گذاران و طراحان برنامه درسی رسمی از یک‌سو و مجریان برنامه از سوی دیگر توجه داشتند. به عنوان مثال آنها

معتقد بودند که در سطح برنامه درسی قصد شده و به صورت کاملاً آگاهانه، برای درس تخصصی، زمان آموزشی بسیار اندکی نسبت به مجموعه دروس معارف و تربیت اسلامی در نظر گرفته شده است و با توجه به همپوشانی محتوایی دروس معارف، تئوریک بودن آنها و عدم قابلیت کاربرد به شکل مستقیم در حرفه معلمی، بنابراین مجموعه این دروس، به عنوان دروسی بودند که آموزش داده شدند اما عملاً یادگیری آنها هیچ فایده و ضرورتی تاکنون برای ایشان نداشته است. Mohammadi (2023) و Hamidizadeh (2023) نیز دریافتند که سرفصل و محتوای دروس معارف اسلامی دارای ضعف هایی بسیار جدی از نظر همپوشانی محتوایی، حجم نامناسب با توجه به هرم تحصیلی، ادبیات دشوار منابع، عدم تبیین گری مباحث و عدم تناسب با زندگی دانشجو معلمان و تحولات جدید است. از سویی دیگر در سطح برنامه درسی اجرا شده نیز عامل بودجه بندی زمانی می تواند منجر به ایجاد برنامه های درسی پوچ پنهان شود. به عنوان مثال نومعلمان بیان می کردند که چینش دروس در ترم های مختلف تحصیلی توسط مدیران گروه همواره از چارت و سرفصل قصد شده دروس دوره تبعیت نمی کند. بنابراین در مواردی که دروسی تخصصی بدون رعایت پیش نیازها در ترم های پایین تر ارائه می شود؛ نومعلمان به دلیل فقدان این پیش نیازها، قادر به یادگیری عمیق محتوای آن دروس یا کاربردی کردن آنها نیستند. به عبارت دیگر، درمورد عامل بودجه بندی زمانی، به نظر می رسد که علاوه بر سیاستگذاران و طراحان برنامه درسی رسمی در دانشگاه فرهنگیان، مجریان در سطح مدیران گروه های آموزشی نیز نقش قابل توجهی دارند. به ویژه اهمیت مدیران گروه های آموزشی در این میان به حدی است که در برخی از دانشگاه های کشورهای در حال توسعه مانند ویتنام حدود ۸۰ درصد تصمیم های مدیریتی در دانشکده یا دانشگاه توسط مدیران میانی^۱ اتخاذ می شود؛ اما با این حال حتی در خارج از کشور نیز پژوهش های بسیار اندکی درمورد صلاحیت های مدیران گروه های آموزشی و نقش آنها در موفقیت برنامه های درسی دانشگاه انجام شده است (Pham et al, 2019). در مجموع یافته های این پژوهش از نظر تأثیر عامل بودجه بندی زمانی بر ایجاد برنامه های درسی پوچ پنهان را می توان با یافته های Barshan (2017), Zhou (2023) و Moore (2022) نیز منطبق دانست. درمورد مضمون «ضعف در شایستگی ها و صلاحیت های استاد» یافته های این پژوهش نشان داد که در سطح برنامه درسی اجرا شده، شیوه های تدریس،

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال ارزشیابی و حتی تعاملات غیرعلمی اساتید منجر به شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان برای نومعلم‌ها شده است. عواملی چون ناتوانی در ایجاد انگیزه و تغییر نگرش دانشجو نسبت به درس و عامل نبودن استاد نسبت به علم خود، مواردی هستند که تاکنون در قلمروی صلاحیت‌های اساتید مورد بررسی قرار نگرفته اند. همچنین ضعف در صلاحیت‌های نامبرده می‌توانند از دلایل شکل‌گیری برنامه درسی پوچ پنهان باشند. درمورد مضمون «ضعف در محتوای آموزشی دروس و سرفصل» همسو با تحقیقات گذشته مانند Mohebiamin et al (2020), Nikkhah and Liaqtadar(2017), Saberi (2022) Karimi et al (2023) مشخص شد که برنامه درسی قصد شده در تأمین نیازهای دانشجو معلم موثر نیست؛ اما طبق تجربه نومعلم‌ها این امر به دلیل عدم ارتباط محتوای آموزشی با مسائل آموزش و پرورش در سطح کلان و عدم ارضای نیاز دانشجو معلم در زمینه دانش و محتوای لازم برای عملکرد مناسب در سطح خرد مدارس (به ویژه برقراری ارتباط با دانش‌آموز و شیوه تدریس) هست. یکی از نکات مهمی که در تبیین چنین یافته‌ای می‌توان مطرح کرد، آن است که تقریباً غالب دروس دانشگاه فرهنگیان دارای ماهیت میان‌رشته‌ای هستند و محتوای آموزشی مناسبی برای آنها تاکنون تدوین نشده است. درواقع ماهیت دروس دانشگاه فرهنگیان در رشته آموزش ابتدایی (و البته سایر رشته‌ها) به نحوی است که مستلزم تدوین منابعی با همکاری مشترک میان متخصصین موضوعی و اساتید مجرب در حیطه عمل معلمی است تا بتوانند میان دانش نظری و عمل معلمی، پیوند ایجاد کنند و چنین پیوندی را هم از بعد نظری و هم از بعد عملی، به دانشجو معلم آموزش دهند. نکته بعدی آن است که براساس پیشینه مربوط به برنامه درسی زائد (بعد دوم برنامه درسی پوچ پنهان)، این نوع برنامه درسی عمدتاً به واسطه نابه‌نگامی و عدم روزآمدی نسبت به شرایط متحول و نیازهای جامعه ایجاد می‌شود؛ درحالی‌که برنامه‌های درسی در دانشگاه فرهنگیان به صورت دوره‌ای (۴ ساله) روزآمد می‌شوند. در این میان یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در بازنگری برنامه‌های درسی، نیازهای نومعلم‌ها که عملاً در محیط مدارس با شرایط و بافتهای کاملاً متفاوت مشغول به خدمت هستند، در نظر گرفته نشده است. بنابراین می‌توان گفت که بعد دوم برنامه درسی پوچ پنهان می‌تواند به واسطه نیازسنجی نادرست یا ناقص در فرایند برنامه‌ریزی و عدم توجه به نیازهای مخاطبان اصلی برنامه درسی رسمی نیز رخ دهد که تاکنون مورد توجه پژوهشگران این حیطه قرار نگرفته است. درمورد

مضمون «محدودیت‌ها یا واقعیت‌های محیط کاری»، یافته‌ها نشان داد که کمبود امکانات زیرساختی در محیط مدارس و نیز شکافی که بین دیدگاه اساتید دانشگاه و متولیان آموزش و پرورش در مورد نقش‌ها و وظایف یک معلم وجود دارد؛ یادگیری‌های دانشجوی معلمان را می‌تواند غیرقابل استفاده نموده و منجر به شکل‌گیری برنامه درسی پوچ پنهان شود. یافته‌های پژوهش Keramati (2023) نیز که به محدودیت‌های فیزیکی و نگرشی مدیران در محیط کاری (مدارس) نومعلمان اشاره دارد را می‌توان همسو با این یافته دانست. وی دریافت که شرایط محیط کاری، جو سازمانی و انتظارات غیرحرفه‌ای مدیران مدارس می‌تواند مانع از عملکرد حرفه‌ای نومعلمان و انتقال یادگیری‌های آنها از محیط دانشگاه به محیط کلاس درس و مدارس شود.

در مورد مضمون «ویژگی‌های دانشجوی معلمان»، دلایل شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان بر برنامه درسی تجربه‌شده متمرکز بود و علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی و میزان تعهد کاری، سوابق آموزشی دانشجوی معلمان به واسطه تأثیر بر درک از دروس مختلف بین‌رشته‌ای و برخورداری از پیش‌نیازها، در شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان سهیم دانسته شد. زیرا دانشجوی معلمان رشته آموزش ابتدایی دارای سوابق آموزشی متفاوت (دارای دیپلم انسانی، تجربی و ریاضی) هستند؛ بنابراین درک و میزان دریافت آنها از دروس مختلف بین‌رشته‌ای در این دانشگاه نیز متفاوت است؛ به نحوی که برای بسیاری از آنها به واسطه عدم برخورداری از پیش‌نیازها، امکان شکل‌گیری برنامه درسی پوچ پنهان نیز بیشتر وجود دارد.

یافته‌های حاصل از گام دوم پژوهش (کمی) منتهی به طراحی و اعتبار یابی مقیاس مربوط به عوامل موثر در شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهان در رشته آموزشی ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شد. این ابزار می‌تواند کمک شایان توجهی در زمینه طراحی، بازطراحی و نیز اجرای کارآمدتر برنامه‌های درسی در رشته آموزش ابتدایی این دانشگاه داشته باشد. همچنین این ابزار می‌تواند برای انجام پژوهش‌های متعددی در زمینه برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان مورد استفاده محققان قرار گیرد. از این رو به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که این ابزار را برای بررسی برنامه‌های درسی پوچ پنهان در دیگر پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان و سایر استان‌ها مورد استفاده قرار داده و ارتباط مولفه‌های آن را با برخی دیگر از مفاهیم و مولفه‌های روانشناختی

تحلیلی بر دانش و عملکرد دانش‌آموزان نسبت به مهارت‌های شهروندی دیجیتال و برنامه درسی، بررسی کنند. همچنین براساس یافته‌های گام اول (کیفی) و در راستای کاهش برنامه‌های درسی پوچ پنهان و مشکلات ناشی از آنها در دانشگاه فرهنگیان پیشنهاد می‌شود:

(۱) در بازنگری برنامه‌های رسمی دانشگاه فرهنگیان، نومعلمانی به نمایندگی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان که در مدارس مختلف (به ویژه مدارس چندپایه، روستایی، مختلط) خدمت می‌کنند، حضور یابند تا نیازهای حرفه‌ای آنها در برنامه درسی قصد شده بیشتر در نظر گرفته شود.

(۲) در راستای کاهش شکل‌گیری برنامه‌های درسی پوچ پنهانی که به دلیل محیط کاری نومعلمان ایجاد می‌شود، ارتباط بیشتری بین مسئولین دانشگاه فرهنگیان، مسئولین آموزش و پرورش و به‌ویژه مدیران مدارس برقرار شود تا بین دیدگاه‌ها و انتظارات دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نسبت به عملکرد حرفه‌ای معلمان ابتدایی همگرایی بیشتری ایجاد شود.

(۳) از آنجایی که یافته‌های این پژوهش نشان داد مجریان برنامه‌های درسی اعم از مدیران گروه و به‌ویژه اساتید دانشگاه فرهنگیان، مؤثرترین عامل در ایجاد برنامه‌های درسی پوچ پنهان هستند؛ بنابراین از یک‌سو فرایند معتبرتری در گزینش آنها از نظر علمی و رفتاری در نظر گرفته شود. از سوی دیگر با مشارکت دادن اساتید در فرایندهای تدوین و تغییر برنامه‌های دانشگاه فرهنگیان، ضمن توجه آنها نسبت به چگونگی اجرای برنامه‌های درسی، تجارب و نظرات آنها نیز مدنظر قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References:

- Abdolkhani, A. and Safaei Movahed, S. (2014). Work& Technology Teacher Training curricula at Farhangiyen University as Null Curriculum. *Higher Education Curriculum Studies*. 9(5), 74-89.
- Adib, Y., Fathi Azar, E., Karimi, B. and Soltani, A. (2016). Master perception Conseling Group of null curriculum At the University: Qualitative Study. *Qualitative Research in Curriculum*. 3(1), 1-25.
- Alamolhoda, J. and Tahmasbzade Sheykhlar, D. (2008). Love as a null curriculum. *Journal of Curriculum Studies*. 3(11), 1-26.
- Aljohani, N. R., Aslam, A., Khadidos, A. O. and Hassan, S. (2022). Bridging the skill gap between the acquired university curriculum and the requirements of the job market: A data-driven analysis of scientific literature. *Journal of Innovation and Knowledge*. 7(3), 1-13.
- Amini, M., Shekari, A. and Taghvaaee, Z. (2018). The narration of Immature emotions and feelings of secondary level students: A Symbol of Null Curriculum (A study by Educational Connoisseurship and Criticism). *Journal of Educational Sciences*. 24(2), 69-88.
- Assemi, A. and Sheikhzade, M. (2013). Intended ,Implemented, and Experiential Null Curriculum. *Life Science Journal*, 10 (1), 82-85.
- Bakhtyar, I., Abbasi, A., Ali Askari, M. and Haj HoesseinNejad, GH. (2014). The Study of the Effectiveness of Accepted Law Enforcement Curriculum from the Viewpoint of the Degree of Content Conformity with Occupational Tasks and Community-Oriented Policing Approach. *Quarterly of Order and Security Guards*. 7(3), 53-86.
- Barshan, A. (2017). Designing and validating of learning improvement model for education programs of Kerman copper industries based on indicators of learning transfer and redundant learning. PhD Dissertation in Educational Sciences, Tehran University.
- Barshan, A., Safaei Movahhed. S., Valiollah, F., Kiamanesh, A. and Moghadam Zadeh, A. (2018). The Effective Factors on the Formation of Scrap Learning in In-Service Training: A qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*. 7(4), 418-427.
- Creswell, J. W. (2013). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Davari, Sh. and Mehrmohammadi, M. (2023). Analyzing the dimensions of the null curriculum. *Qualitative Research in Curriculum*. 12(4), 140-162.
- Eisner, E. W. (1979). *The Educational Imagination, On the Design and Evaluation of School programs*. New York: Macmillan
- Fadaei, A., Ghafari, M., amiri, M. and Shakari K. (2014). Investigating Environmental Health Engineering Graduates' viewpoints about the Conformity Rate of the curriculum with Their Professional Needs in

- Chaharmahal and Bakhtiari Province. Iranian Journal of Medical Education. 14 (9), 787-795.
- Fairman, J. C., Smith, D. J., Pullen, P. C., and Lebel, S. J. (2020). The challenge of keeping teacher professional development relevant. *Professional Development in Education*, 49(2), 197-209.
- Farhangian University Statute (2011). Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Fathi Vajargah, K. (2011). A speech about redundant curricula. Available at: <http://www.kouroshfathi.com/Professor/ReadItem.aspx?itemId=۴۷۵>
- Fattahi, M. (2021). Analysis of students' perception of the concept of Scrap Learning and its consequences in the field of educational sciences. Master Thesis in Adult Education, Shahid Beheshti University, Tehran.
- Flinders, D. J., Noddings, N. and Thornton, S. J. (1986). The Null Curriculum: Its Theoretical Basis and Practical Implications. *Curriculum Inquiry*. 16(1), 33-42.
- Glatthorn, A. A. (1999). Curriculum alignment revisited. *Journal of curriculum and supervision*, 15(1): 26-34.
- Halimi, A., Rasooli, E. and Fallah, A. (2021). Investigating the effect of redundant curriculum on achievement goals (educational and skill areas) and empowerment of medical students in Mazandaran province. *Educational Development in Jundishapur*. 1(2), 268-280.
- Hamidizadeh, K. (2023). A Study of the Methods of Teaching Islamic Theology Courses in Farhangiyān University from the View of Student Teachers. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*. 4(4), 7-27.
- Hasan Pour Dehnavi, GH. (2020) An Analysis of Scrap Learning Dimensions in Technical & Vocational Training. Doctoral thesis in Curriculum, Azad University: Torbat Heydariye.
- Hoseini Largani, M., Fathi Vajargah, K., Arefi, M. and Zarafshani, K. (2015). Designing the model of assessment of Scrap curriculum in higher education system in Iran. *Journal of Research in Educational Systems*. 27(8). 149-174.
- Karimi, M., Rahaeepour, S., Shahsavari, H. and Ghafari, Kh. (2020). Professional Performance Shortcomings of Teachers Graduated from Teacher Training University. *Journal of Curriculum Studies*. 65(16), 89-118.
- Keramati, E. (2023). Investigation of Principals Unprofessional Expectations of New Teachers in Elementary Schools. *Journal of New Approaches in Administration*. 13(1), 156-165.
- Mahama, A., Issah, M. and Gunu, I. M. (2022). Aligning the Working Needs of Teachers to Continuous Professional Development Programmes in the

- Nanumba North District of Ghana: Interrogation within the Ambience of policy and Practice. *European Journal of Education and Pedagogy*. 3(1), 7-16.
- Marzoghi, R., Jahani, J., Mohammadi, M. and Zare, P. (2017). Developing and Validating Null Curricula Scale. *Journal of Curriculum Studies*. 12(46). 35-58.
- Mazaheri. H. and Ansari Zadeh. (2018). Evaluating the Professional Qualifications of Farhangian University Alumni in Qom. *Journal of Teacher Professional Development*. 3(3), 91-113.
- Mehrmohammadi, M. (2014). Hidden Curriculum, Null Curriculum and Hidden Null Curriculum. In the work of Mehrmohammadi and colleagues: curriculum, viewpoints, approaches and perspectives. Mashhad: Behnashr.
- Moghadas, M. (2015). Examining the compatibility of education in university with the job skills of graduates of technical and engineering faculties (a case study of civil engineering graduates who are members of the Tehran Engineering System Organization). Master thesis in higher education management and planning, Tehran University of Science and Culture.
- Mohammadi, M. (2023). Investigating the Issue of Teaching Islamic Theology in Farhangian University. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*. 4(2), 7-28.
- Mohebi Amin, A., Behradfar, A., Khoshsima, M. and Moghimi Rad. (2023). Analysis of the situation of Farhangian University based on the lived experiences of graduates: Qualitative research. 5(2), 1-32.
- Moore, K. (2022). Differentiated Professional Development: Teacher's Perception of Their Needs to Increase Achievement an Exploratory Case Study. Doctoral dissertation. University of phoenix.
- Mosapour, N. and Mehrmohammadi, M. (2008). Eliminating Neglect from the Curriculum :A Conceptual Analysis of the Neglected Curriculum. The Second Monthly Meeting of the Iranian Curriculum Studies Association. available at: <https://mehrmohammadi.ir>
- Nguyen, Y. T., Ha, X.V. and Tran, N. H. (2022). Vietnamese Primary School Teachers' Needs for Professional Development in Response to Curriculum Reform. *Education Research International*. 15(3). 1-8.
- Nikkhah, M. and Liaqtadar, M. (2017). Study of the quality of performance of the new elementary education curriculum of Farhangian University: Case study of Chaharmahal and Bakhtiari Province. *Journal of Teacher Education*. 3(4), 105-134.
- Pham, T.V., Nghiem. T.T., Nguyen, L. M., Mai, T.X. And Tran, T. (2019). Exploring Key Competencies of Mid-Level Academic Managers in Higher Education in Vietnam. *Journal of Sustainability*, 11(23), 1-13.

- Posner, G. (2003). *Analyzing the curriculum*. New York: Mc Graw Hill Humanities.
- Rafei, H. and Abdolahi. M. S. (2022). Examining the challenges ahead of Farhangian University. report of the Research Center of the Islamic Council. Tehran: Bureau of Education and Culture Studies.
- Rezaei, Z., Ramazan Zadeh, Kh. and Abbaszadeh, H. (2021). The degree of compliance of the content of the general dentistry curriculum with job needs from the perspective of dentists in Birjand. *Iranian Journal of Medical Education* , 21(7),68-81.
- Ryan, G. W. and Bernard, H. R. (2000), "Data Management and Analysis Methods", in Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.), *Handbook of qualitative research* (Pp.769-802.), Thousand Oaks, CA: Sage.
- Saberi, R. (2022). The Implicit Outcomes of Curriculum at Techer Training University: The Narrative by Students and Professors. *Journal of Curriculum Studies*. 16(63),69-90.
- Safaei Movahed, S.(2016). *The Neglected Curriculum*. Iranian Encyclopedia of Curriculum.1-5
- Sajudi, A. (2017). Adapting the role and contribution of each of the curriculum elements in the formation and factors of weight loss from the perspective of Dezful university students. Master thesis in Curriculum Studies: Kashan University.
- Stenalt, M. H. and Lassenes, B. (2022). Does student agency benefit student learning? A systematic review of higher education research. *Assessment & Evaluation in Higher Education*. 47(5). 653-669.
- Terzaroli, C. (2018). The Role of Higher Education in a Changing World: Why Employability Matters. Pp 447-457. In *Employability & Competences: Innovative Curricula for New Professions*. Edited by: Vanna Boffo and Monica Fedeli. Italy.
- The document of fundamental evolution of education.(2011)Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Tzafilkou, K., Prefanou, N. and Economides, A.A. (2022). Factors affecting teachers' transfer of ICT training: Considering usefulness and satisfaction in a PLS-SEM transfer training model. *Journal of Adult and Continuing Education*. 29(1),1-11.
- Vahedi, H., Karimi, N., Rezaei, R., and Esmailour, A. (2018) A comparison of the professional qualifications among teachers graduated from Farhangian University, former Teacher Education Centers and other universities. *Technology of Education Journal*. 13(1), 83-90.
- Zare, P. and Marzoghi, R. (2023). Innovation in Cognition and Conceptual Development of Null Curriculum. *Journal of Curriculum Studies*. 18(69), 37-68

Zhou, N. (2023). Professional learning of vocational teachers in the context of work placement. Doctoral Thesis, the Netherlands Leiden University.

